



ادبی

مشاهیر و مفاخر ادبی

قبل از پرداختن به مشاهیر و مفاخر ادبی در ایران؛ بد نیست اشاره ای کوتاه به تاریخ ادبیات ایران داشته باشیم. تاریخ ادبیات در ایران پیش از اسلام به سروده های اوستا یعنی حدود هزار سال قبل از میلاد باز میگردد. این سروده ها که بخشی از سنت شفاهی ایرانیان باستان بوده اند سینه به سینه منتقل شده و بعد ها بخش هایی از کتاب اوستا را در دوران ساسانی پدید آورده اند. البته کتابهای قدیمی نیز وجود دارند که در موضوعات غیرادبی مانند تاریخ، مناجات و علوم گوناگون دارای ارزش ادبی هستند و با گذشت زمان در زمره آثار کلاسیک ادبیات فارسی قرار گرفته اند.

با آغاز دوران اسلامی، شعر و ادبیات ایرانی تحت تاثیر صنعت شعر عرب قرار گرفت که در واقع ادامه ادبیات پیش از اسلام بود. در این دوران، آوازه برخی شاعران و نویسندگان ایرانی از مرزهای ایران فراتر رفت ولی با این حال می توان گفت؛ اوج شکوفایی شعر و نثر فارسی در دوره سامانیان بوده است و در این میان، شاعران و نویسندگانی نظیر فردوسی، سعدی، حافظ شیرازی، عمر خیام و نظامی شهرتی جهانی پیدا کردند در میان چهره های شناخته شده ادبیات معاصر فارسی در جهان نیز می توان به صادق هدایت در داستان و نیما یوشیج در شعر اشاره کرد.

به طور کلی ادبیات فارسی به دو نوع شعر فارسی و نثر فارسی تقسیم می شوند که هر کدام دارای خصوصیات مختص خود هستند. به این معنی که؛ شعر فارسی از نظر ساختاری شامل: شعر کلاسیک و شعر نو است و شعر کلاسیک که شعر کهن نیز گفته می شوند دارای انواع مختلفی است که عبارتند از: مثنوی، قصیده، غزل، مسمط، قطعه، رباعی، دوبیتی، تک بیتی، ترکیب بند، چهار پاره، ترجیح بند و مستزاد.

به طور کلی ادبیات ایران که شامل: شعر، داستان، طنز، نثر فارسی و نمایشنامه می شود به سه دوره «پیش از اسلام»، «پس از اسلام» و «معاصر» تقسیم می شود و فعالین این حوزه را «شعرا» و «نویسندگان» تشکیل می دهند که ما در این بخش به ترتیب دوره تاریخی و به معرفی آنان می پردازیم.

دوره پیش از اسلام :

زرتشت :

زرتشت یا زردشت، پیامبر ایران باستان و سراینده «گات‌ها» کهن ترین بخش «اوستا» است. در مورد تاریخ تولد «زرتشت»؛ زرتشتیان ایران بر اساس نظر ذبیح بهروز، زاد روز اشوزرتشت را ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد مسیح می دانند. همچنین با وجود تحقیق های صورت گرفته در خصوص محل تولد «زرتشت» هنوز نتیجه قطعی به دست نیامده است. فقط در چندین قسمت از «یشت‌ها» در اوستا زادگاه «اشوزرتشت» را محلی به نام «رگه» در کنار رودخانه «دُرْجی» و «دریاچه چیچست» آورده شده است، که بعضی از پژوهشگران این محل را در غرب ایران یعنی «دریاچه ارومیه» و برخی «دریاچه هامون» در شرق می دانند و نیز محل فعالیت دینی زرتشت را «ایرانویج» ذکر کرده اند. «ایرانویج» در منابع پهلوی و در برخی کتاب های عربی و فارسی با «آذربایجان» یکی شمرده شده است.

با وجود این که در قسمت های از اوستا به نام و خانواده و برخی حوادث زندگی «زرتشت» اشاره شده است ولی زندگی نامه وی، به صورت منظم ذکر نشده است. شرح زندگی «زرتشت» در «سه نسک یا سه بخش» از ۲۱ کتاب «اوستا» به نام های «سپند»، «چهرداد» و «وشتاسپ ساست» آمده است. همچنین در این کتاب و منابع دیگر نام پدر زرتشت، «پوروشسب» و مادرش «دغدو» ذکر شده است، اشوزرتشت با «هووی» ازدواج کرد و دارای سه فرزند دختر به نام های فرنی، تریتی و پورچیستا و نیز سه فرزند پسر به نام های ایسدواستر، اوروتت نر، خورشید چهر بود.

«کتاب مقدس زرتشتیان» یعنی «اوستا» از کهن ترین نوشته های ایرانیان است. بخش های گوناگون «اوستا» که طی صدها سال و توسط اشخاص متعددی تدوین شده است در روزگار باستان متشکل از ۸۱۵ فصل در ۲۱ نسک یا کتاب بود. البته امروزه این کتاب شامل: شش بخش گاهان، یسنه یا یسنا شامل گاتها، یشت‌ها، وندیداد، ویسپرد و خرده‌اوستا است. یعنی به طور کلی می توان «اوستا» را از نظر زمانی به سه بخش تقسیم کرد. بدین ترتیب که: مضامین «بخش اول اوستای کهن» از نظر زمانی مربوط به روزگار پیش از «زرتشت» - حدود دو هزار و هشتصد سال پیش - است، اما از لحاظ نگارشی، نگارش این کتاب مربوط به عصرهای پس از «زرتشت» می شود به طوری که، هنگام نگارش و بازنویسی دگرباره «اوستا»، تا اندازه‌ای مضامین و باورهای جدیدتری به متن‌های کهن اضافه شده است. «بخش دوم اوستا» از نظر زمانی شامل «گات‌ها» است که «سروده‌های زرتشت»، پیام‌آور ایران باستان به شمار می‌رود و گفته شده بخشی هایی از این سروده ها به «زرتشت» الهام شده و وی آن را بیان کرده است. هر چند این بخش، از لحاظ مضمون پس از اوستای کهن سروده شده است، اما از نظر زبان و نگارش، قدیمی ترین بخش اوستای موجود است. «اوستا» در «بخش سوم» از نظر زمانی شامل یسنا، یشت‌های جدید، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا است که همگی جزو اوستای نو به حساب می‌آیند. اما بسیاری از مضامین همین بخش‌های جدید نیز برگرفته و اقتباس شده از باورها و نوشتارهای کهن است؛ اما این آمیختگی به حدی است که امکان تفکیک را ممکن نمی کند. از دیگر مشخصات این کتاب نوشته شدن آن به دو گویش «گاهانی» که سخنان خود «زرتشت» بدان نوشته شده است و گویش دومی؛ «گویش جدید» نامیده می شود. مطالب آورده شده در اوستا عبارتند از: نیایش اهورامزدا، امشاسپندان، سایر ایزدان و مظاهر طبیعت و تکالیف انسان در جهان، بهشت، دوزخ و داستان‌های ملی است. در واقع می توان اوستا را به معنی «آگاهی‌نامه» یا «دانش‌نامه» دانست که آن را «مرجع نامه» نیز می نامند.

بر اساس نوشته «معودی»، «مورخ عرب» و نیز برخی از مورخان اسلامی: اسکندر مقدونی پس از فتح «اصطخر»، کتاب اوستا را که بر ۱۲ هزار پوست گاو نوشته شده بود، پس از ترجمه مطالب علمی آن به زبان

یونانی که شامل: طب، نجوم و فلسفه می شد، به یونان فرستاد و خود آن کتاب را سوزاند .

مانی :

«مانی یا مانس»، در سال ۲۱۵ میلادی در خانواده ایرانی در نزدیکی بابل در بین النهرین، بخشی از عراق کنونی که جزوقلمرو ساسانیان محسوب می شد، به دنیا آمد. نام پدرش «فتک» و نام مادرش «نوشیت یا پوسیت» از خانواده کمرکان و از خویشاوندان خاندان اشکانی بودند. برخی تصور کرده اند که نام مانی سریانی است، ولی این قطعی نیست. احتمال دارد که «مانگ» به معنی «ماه» باشد؛ زیرا در لهجه «ایرانی سنگسری» به «ماه»، «مانگ» گفته می شود. هر چند آثار مانی به زبان سریانی نوشته شده، ولی او ایرانی است. باید دانست که «زبان سریانی» تا حدی جنبه «زبان علمی» در ایران باستان داشت.

مانی در دوران جوانی پس از مطالعه «آیین زرتشت» برای آشنایی با عقاید بودایی عازم هند شد و پس از مدتی به ایران بازگشت و به تبلیغ دین جدید، یعنی «دین مانی» پرداخت که تلفیقی از دین زرتشت و دین مسیحی بود. ولی بعد از مدتی تحت تعقیب روحانیون زرتشتی قرار گرفت و محکوم شد، تا این که بالاخره در سال ۲۷۶ میلادی و در سن ۶۰ سالگی به دستور بهرام، نوه شاپور اول، به قتل رسید.

آثار برجای مانده :

۱. شاپورگان ، به زبان پهلوی

۲. انجیل زنده یا جاویدان

۳. گنجینه زندگی

۴. پراگماتیا کتاب اعمال

۵. کتاب رازها

۶. کتاب دیوها

دوره پس از اسلام :

عبدالله ابن مقفع :

«روزبه پسر دادویه معروف به عبدالله ابن مقفع»، نویسنده و مترجم بزرگ ایرانی در سال ۱۰۶ قمری در «جور فارس» و فیروزآباد امروزی دیده به جهان گشود. پدر وی در زمان حجاج بن یوسف ثقفی متصدی امور مالیاتی بود ولی پس از شکنجه به جرم اختلاس، وی را «مقفع» نامیدند.

روزبه، اولین شخص در خاندان خود بود که به اسلام روی آورد و پس از قبول اسلام به نام «عبدالله بن مقفع» نامیده شد و کنیه خود را «ابومحمد» قرار داد. در خصوص چگونگی مسلمان شدن وی هیشم بن عدی می گوید: «ابن المقفع نزد عیسی بن علی - عموی منصور، خلیفه عباسی - شد و گفت مسلمانی در دل من راه کرد و خواهم بدست تو مسلمانی گرفتن عیسی گفت اسلام آوردن تو فردا به محضر قواد و وجوه مردمان سزاوارتر و

چون عشا بگستردند ابن مقفع بر خوان هم به رسم مجوسان زمزمه گرفت و عیسی بدو گفت با نیت مسلمانی نیز زمزمه آری؟! گفت: نخواهم شبی را بی دین به روز کردن و بامداد به دست عیسی مسلمان شد و ابن مقفع با همه فضل مطعون به زندقه بود.»

« عبدالله بن مقفع در زمان حکومت امویان در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان این خاندان بود اما پس از فروپاشی حکومت اموی توسط عباسیان ، زمانی که بیشتر بزرگان و صاحب منصبان اموی فرار کردند و یا عفو شدند، ابن مقفع نیز جزو کسانی بود که در امان ماند و به بصره رفت. وی در بصره به دربار عباسیان راه یافت و در این میان به «عیسی بن علی» علاقه مند شد و به خدمت وی درآمد و نیز در همین دوره بود که مسلمان شد. «ابن مقفع» با تنظیم امان نامه ای برای عبدالله - یکی از پسرعموهای خاندان عباسی و از مدعیان حکومت پس از سفاح عباسی - باعث برانگیختن خشم و بدبینی منصور دوانقی، خلیفه شد، به طوری که منصور بعد از خواندن امان نامه، نه تنها حاضر به امضای آن نشد بلکه به سفیان، حاکم بصره، که از مدت ها پیش کینه وی را در دل داشت، دستور داد تا وی را به قتل رساند. تا اینکه سرانجام ابن مقفع را به اتهام « زندقه » به طرز فجیعی ، در سن ۳۶ سالگی ، در سال ۱۴۲ قمری در بصره به قتل رساندند. آثار برجای مانده :

عبدالله بن مقفع از بزرگ ترین مترجمان ایرانی است که کتاب های زیادی را از زبان پارسی میانه به زبان عربی ترجمه کرد و در واقع می توان گفت؛ وی، اولین کسی است که به طور رسمی آثاری به نثر عربی نوشت. نثر آثار ادبی وی نه تنها شیوا و روان است بلکه جزو بهترین آثار ادبی و اخلاقی زبان عربی محسوب می شود. آثار عبدالله بن مقفع عبارتند از: ترجمه کتاب کلیه و دمنه از زبان پهلوی به عربی، الادب الصغیر و المنطق، ترجمه کتاب «خدای نامه» از پهلوی به عربی یعنی «سیر الملوک»، نامه تنسر، ترجمه کتاب «ریگی های سگستان» یعنی «عجائب سجستان»، الدرہ الثمینہ و الجوهرۃ المکنونه، مزدک، باری ترمیناس، أنالوطیقا تحلیل القیاس، آیین نامه فی عادات الفرس عهد ساسانی، التاج فی سیره أنوشروان، ایسا غوجی المدخل، میلیه سامی ووشتاتی حسام و عمرانی نوفل، رساله الصحابه و نیز بعضی از کتب و رسایل ارسطو در منطق .

سیبویه :

« ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر» معروف به «سیبویه»، در سال ۱۴۰ هـ. ق، در شهر بیضا از توابع فارس متولد شد. وی ابتدا از بردگان بنی حارث بن کعب و سپس از بندگان آل الربیع بن زیاد الحراثی بود. معنی نام «سیبویه»، «منسوب به سیب» است. بسیاری از نام های ایرانی پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی دارای پسوند نسبی «ویه» بودند مثل «دادویه»، «زادویه» و غیره. ابوبشر سیبویه، در سن ۱۴ سالگی برای تحصیل علم راهی بصره شد و پس از آن که در «نحو» به درجاتی رسید به نزد یحیی بن خالد برمکی در بغداد رفت. وی علاوه بر این که از یحیی بن خالد برمکی، درس گرفت، نزد استادان دیگری چون عیسی بن عمرو یونس، ابو خطاب اخفش و خلیل فراهیدی شاگردی کرد. لغت را از محضر ابوظباب اخفش و علم صرف و نحو را از خلیل فراهیدی بهره گرفت، به طوری که بعد از مدت کوتاهی یکی از برجسته ترین علمای « علم اللغه » شد.

سیبویه، نخستین کسی است که برای دستور زبان عربی یا همان صرف و نحو زبان عربی را نوشت و صداها را در این زبان مشخص کرد و در واقع علامت های ضمه، فتحه، کسره و تنوین از ابداع ها و کارهای وی به شمار می آید طوری که بعد از این کار به وی لقب «سیبویه نحوی» داده شد.

سرانجام «ابوبشر سیبویه نحوی» در سال ۱۸۰ هـ ق، در سن ۴۰ سالگی، بر اثر بیماری در شیراز وفات یافت و در «گورستان باهلیه» دفن گردید.

آثار برجای مانده:

الکتاب: این کتاب به دلیل اهمیتش «قرآن النحو» خوانده می شود. وی در این کتاب برای نخستین بار اصول و قواعد نحو را پایه گذاری کرد و بدان شکل نهایی بخشید.

احمد بن یحیی بلاذری :

ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر بن داود البغدادی البلاذری، در اواخر قرن دوم هجری قمری در بغداد به دنیا آمد. از تاریخ زندگی او اطلاع روشنی در دست نیست. عده ای زیادی از مورخان وی را ایرانی تبار و عده ای او را عرب می دانند.

احمد بن یحیی بلاذری بیشتر دوران زندگی خود را در عراق گذرانده است. ولی علاوه بر استفاده از مجالس درس بزرگانی چون محمد بن سعد کاتب واقدی در عراق، به شهرهای انطاکیه، حمص، شام، حلب، مینج سفر کرده و از محضر اساتید این شهرها نیز بهره جسته است. وی در زمان مامون، خلیفه عباسی به دستگاه حکومتی راه یافت و به شغل دیوانی و کتابت که در آن زمان در بین نویسندگان و دبیران ایرانی رایج و موروثی بود پرداخت. با آن که در دوره معتصم و واثق بالله نامی از وی نیست ولی در زمان متوکل، او یکی از ندیمان متوکل بود، ولی با روی کار آمدن معتد عباسی در سال ۲۵۶ هـ ق، بلاذری از دربار کناره گرفت و در اواخر دوره معتد و یا در اوایل دوره معتضد، از دنیا رفت.

بلاذری از برجسته ترین تاریخ نگاران، نسب شناسان بزرگ اسلامی، مترجم، ادیب، شاعر، نویسنده و مولف آثار گوناگون در تاریخ انساب اخبار قرن سوم هجری به شمار می آید.

آثار برجای مانده :

۱. انساب الاشراف : در تاریخ و نسب شناسی

۲. فتوح البلدان یا البلدان الصغیر : درباره فتوحات مسلمانان از زمان پیامبر اسلام به بعد است .

۳. عهد اردشیر: بلاذری این کتاب را از فارسی به شعر عربی ترجمه کرده است .

۴. کتاب الاخبار

رودکی :

ابو عبدالله جعفر، فرزند محمد فرزند حکیم فرزند عبدالرحمان فرزند آدم رودکی در اواسط قرن سوم هجری، یعنی سال ۲۵۰ هـ ق، در روستای پنج رود از توابع پنجه کین در شمال غرب تاجیکستان دیده به جهان گشود. بر اساس نوشته مورخان در سن هشت سالگی پس از آموختن و حفظ قرآن به دلیل داشتن هوش و استعداد

فراوان به شعر و شاعری روی آورد.

رودکی در دوران جوانی به تحصیل در مدرسه های سمرقند پرداخت و بعدها جزو شاعران دانش آموخته ای به شمار آمد که بر واژه های فارسی در این دوره تسلط کامل داشت. علاوه بر این ها، در موسیقی و نوازندگی نیز چیره دست و پرآوازه بود. وی موسیقی را نزد «ابوالعنک بختیاری» آموخت و همواره مورد توجه او بود، به طوری که «ابوالعنک» در دوران کهن سالی، چنگ خود را به رودکی بخشید.

رفته رفته آوازه شعر و موسیقی رودکی به دربار ابونصر سامانی راه یافت، به طوری که گفته اند؛ زمانی که ابونصر سامانی، شعر «بوی جوی مولیان» وی را می شنود چنان متاثر می شود که «هرات» را به قصد «بخارا» ترک می کند.

عده ای بر این باورند که رودکی از آغاز تولد نابینا بود، اما بررسی های که توسط «پروفسور گراسیموف» در سال ۱۹۷۰ میلادی، بر جمجمه و استخوان های وی انجام داد، مشخص شد که در دوران پیری با فلز گداخته ای چشم او را کور کرده اند و برخی از استخوان هایش شکسته بود. شاید یکی از علت های کور شدن وی در دوران پیری، گرایش وی به «مذهب اسماعیلی» باشد، چنانچه از آثار وی بر می آید وی اسماعیلی بوده و «نصر سامانی» از نخستین امیرانی بود که این مذهب را پذیرفت و به مبلغان مسیحی اجازه تبلیغ آزادانه این مذهب در قلمرو خود را داد. اما پس از خلع «نصر سامانی» عده ای در پی آزار و اذیت وی و سایر اسماعیلیان برآمدند و رودکی از دربار طرد شد و به پس از بازگشت به زادگاه خود در سن بالای ۸۰ سالگی وفات یافت.

ابوعبدالله جعفر رودکی، نخستین شاعر بزرگ پارسی گوی و پدر شعر پارسی ایران است. شمس قیس رازی در کتاب «المعجم فی معاییر اشعار عجم»، رودکی را «آفریننده دوبیتی» و مبتکر «قالب رباعی» دانسته است.

ابوالقاسم فردوسی :

حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن معروف به ابوالقاسم فردوسی توسی، بزرگترین حماسه سرای تاریخ ایران، در سال ۳۲۹ هـ ق، در روستای «باژ» از ناحیه «طابران توس» چشم به جهان گشود.

ابوالقاسم فردوسی در خانواده ایرانی و از طبقه دهقانان متولد و رشد یافت. دهقانان در آن زمان، زمین داران کوچکی بودند که در دوره ساسانیان و چهار یا پنج قرن اول دوره اسلامی در ایران زندگی می کردند و جزو طبقاتی محسوب می شود که حد فاصل طبقه کشاورزان و طبقه اشراف قرار داشتند و صاحب نوعی اشرافیت ارضی بودند. این طبقه در حفظ نژاد، نسب، تاریخ و رعایت آداب و رسوم ملی، تعصب و سختگیری خاصی داشتند و به همین دلیل است که هر وقت در دوره اسلامی کسی را دهقان نژاد می نامیدند، مقصود نژاد ایرانی او بود و در متون کتاب های فارسی قرون پیش از مغول دهقان به معنی نژاد ایرانی و مقابل نژاد ترک و تازی استفاده می شد.

اطلاعات دقیقی از دوران کودکی و جوانی وی در دست نیست. ولی با توجه به قرار گرفتن در طبقه دهقانان می توان گفت؛ در جوانی به دلیل درآمد املاک پدر توانست به کسب علم و دانش بپردازد و نیز بر اساس شواهد موجود در شاهنامه؛ او جدای از تسلط بر زبان فارسی دری با زبان های عربی و پهلوی نیز آشنا بوده است.

دوران زندگی فردوسی، مصادف با پیدایش نویسندگان و شعری بود که با آفرینش ادبی خود، سعی در حفاظت از زبان پارسی در مقابل زبان عربی داشتند، بود. فردوسی از همان روزگار کودکی شاهد تلاش مردم اطراف خود

برای پاسداری از ارزش‌های دیرینه بود و خود نیز از همان زمان برای احیای مفاخر پهلوانان و پادشاهان بزرگ ایرانی بسیار کوشید و همین طبع و ذوق شاعری و شور و دل‌بستگی وی بر زنده کردن مفاخر ملی، باعث به وجود آمدن شاهکار بزرگ به نام «شاهنامه» شد.

محمد امین ریاحی، ادیب، مورخ و شخصیت فرهنگی معاصر ایرانی، با بررسی گفته‌های فردوسی در شاهنامه چنین نتیجه می‌گیرد که فردوسی باید پس از سال ۴۰۵ هـ ق و پیش از سال ۴۱۱ هـ ق، وفات یافت. آثار برجای مانده:

شاهنامه: پرآوازه‌ترین سروده فردوسی و یکی از بزرگ‌ترین نوشته‌های ادبیات کهن پارسی به شمار می‌آید. بر اساس نوشته ابومنصوری؛ ابوالقاسم فردوسی، نوشتن شاهنامه را در حدود ۳۷۰ هـ ق، آغاز کرد و سرانجام آن را در تاریخ ۲۵ سپندارمذ سال ۳۸۴ هـ ق، برابر ۳۷۲ خورشیدی به پایان رساند.

این شاهکار کهن ادبیات فارسی، به طور تقریبی از ۶۰ هزار بیت تشکیل شده که دارای سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی است. شاهنامه روایت نبرد خوبی و بدی است که پهلوانان و جنگجویان این نبرد همواره در هستی اند.

علاوه بر سیر تاریخ، در شاهنامه داستان‌های مستقل پراکنده‌ای نیز وجود دارد که هیچ ارتباطی به سیر تاریخی ندارد. از آن جمله: داستان زال و رودابه، رستم و سهراب، بیژن و منیژه و گرازان و به جز این‌ها، بعضی از داستان‌ها مثل رستم و اسفندیار و یا رستم و سهراب از شاهکارهای مسلم ادبیات جهان به شمار می‌آیند.

سنایی غزنوی:

ابوالمجد مجدود بن آدم حکیم سنایی در سال ۴۸۴ هـ ق، در شهر غزنه واقع در افغانستان امروزی چشم به جهان گشود و در سال ۵۴۵ هـ ق، در همان شهر چشم از جهان فرو بست.

سنایی در آغاز جوانی و پس از فراگیری علوم و فنون زمان خود به دربار غزنویان راه یافت و به جرگه شاعران دربار و مداحان مسعود بن ابراهیم غزنوی و بهرام شاه بن مسعود در آمد. وی در این دوره بیشتر به دنبال کسب لذت‌های دنیوی و مادی بود، ولی در سفری که به خراسان داشت پس از اقامت چند ساله در این شهر و آشنایی با مشایخ تصوف آن جا به معاشرت و رفت و آمد با آنان پرداخت که همین رفت و آمدها باعث ایجاد تحول روحی و معنوی در وی شد، به طوری که، سنایی از دربار بیرون آمده و چند سالی را در شهرهای بلخ، سرخس، هرات و نیشابور گذراند و به احتمال خیلی زیاد؛ زمانی که در بلخ ساکن بود به سفر مکه تشریف یافت.

ابوالمجد مجدود پس از بازگشت از سفر حج، در سال ۵۱۸ هـ ق، به غزنین بازگشت و بقیه عمر خود را در خلوت عرفانی خود به تدوین و تنظیم اشعارش پرداخت. به این ترتیب، باید سنایی غزنوی را اولین شاعر ایرانی پس از اسلام دانست که حقایق عرفانی و معانی تصوف را در قالب شعر آرایه کرده است. همچنین او در سرودن مثنوی، غزل و قصیده تبحر خاصی داشت و قصاید وی جزو دست‌آوردهای سفرهایش به شمار می‌آید. از دیگر کارهای مهم و ارزنده سنایی در عرصه ادبیات این بود که؛ زمانی که مسعود سعد سلمان در زندان به سر می‌برد، وی اقدام به تدوین، ثبت و انتشار «دیوان مسعود سعد» کرد.

آثار برجای مانده:

حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، طریق التحقیق، سیر العباد الی المعاد، کارنامه بلخ، عشق نامه، عقل نامه،

ابوالفضل بیهقی :

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی از مورخین و نویسندگان بزرگ و معروف دربار غزنوی است که در سال ۳۸۵ هـ ق، در ده حارث آباد بیهق یعنی سبزوار دیده به جهان گشود. دوره تحصیلات مقدماتی خود را در دوران نوجوانی در روستای بیهق و سپس در شهر نیشابور گذراند و از همان ابتدا به نویسندگی علاقه مند شد و همین علاقه مندی باعث شد وی برای کسب علم و دانش به غزنین سفر کند. ابوالفضل بیهقی پس از اقامت در غزنین وارد دربار غزنوی شد و به کار دیوانی اشتغال یافت و چندی نگذشت که به دلیل شایستگی و استعدادی که داشت به دستیاری خواجه ابونصر مشکان برگزیده شد و تا آخر عمر استاد، پیش وی ماند و از درجه والایی نزد ابونصر برخوردار بود. وی پس از مرگ استادش - ابونصر مشکان - همچنان به کار دیوانی خود در دربار ادامه داد تا اینکه سال ها بعد یعنی پس از مرگ مسعود غزنوی و در زمان حکومت عبدالرشید غزنوی یکی از فرزندان محمود غزنوی به دنبال حسادت اطرافیان از کار بر کنار شد و بقیه عمر خود را به تالیف و تدوین کتاب خود پرداخت. ابوالفضل بیهقی حدود ۸۵ سال زندگی کرد و سرانجام در سال ۴۷۰ هـ ق در گذشت. آثار برجای مانده :

تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی دوران پیری خود برای گردآوری و تنظیم یادداشت های خود مناسب دید و از سال ۴۴۸ هـ ق، به تالیف تاریخ دوران خود پرداخت و در سال ۴۵۱ هـ ق، تالیف آن را به پایان رساند. وی تا پایان عمرش که نوزده سال پس از اتمام این کتاب بود، هرگاه اطلاعات تازه ای در زمینه کار خود دسترسی می یافت، آن را به متن کتاب خود می افزود.

ناصر خسرو :

ابومعین ناصر خسرو بن حارث قبادیانی بلخی معروف به ناصر خسرو در سال ۳۹۴ هـ ق، در روستای قبادیان مرو یعنی تاجیکستان امروزی، در خانواده ای ثروتمند که به احتمال زیاد به امور دولتی و دیوانی اشتغال داشتند، متولد شد. دوران نوجوانی و جوانی خود را به تحصیل علوم و فنون متداول زمان خود پرداخت و به لحاظ داشتن هوش سرشار به بهره گیری از دانش های دوران خود مانند: فلسفه، اخترشناسی، کیهان شناسی، پزشکی، کانی شناسی، هندسه ی اقلیدوسی، موسیقی، علوم دینی، نقاشی، سخنوری، پرداخت و همزمان قرآن را حفظ کرد. وی در دربار سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی به کار دبیری مشغول بود. ناصر خسرو قبادیانی، در دوران حضور در دربار و اشتغال به کار دبیری، بیشتر در پی پرداختن به لذایذ دنیوی و مادی بود تا این که در سن چهل سالگی و پس از دین خوابی عجیب، دچار تحول درونی و انقلاب فکری شد. وی درباره خواب خود چنین نوشته است: « بی در خواب دیدم که یکی مرا گفتی چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند. اگر به هوش باشی بهتر است. من جواب گفتم که: حکیمان جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند. جواب دادی: در بی خودی و بی هوشی راحتی نباشد. حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به بی هوشی رهنمون باشد، بلکه چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید. گفتم که: من

این از کجا آرم؟ گفت جوینده یابنده باشد. سپس، به سوی قبله اشاره کرد و دیگر سخن نگفت». وی پس از دیدن این خواب، شغل دیوانی را کنار گذاشت و راهی سفر حج شد و به مدت هفت سال از کشورهای مختلفی از جمله: آذربایجان، ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، فلسطین، جزیره العرب، قیروان، تونس و سودان دیدن کرد.

ناصر خسرو که چند سالی در مصر ساکن شده بود به مذهب اسماعیلی گرایش پیدا کرد و بعد از بازگشت از این سفرها، ابتدا به خراسان رفت ولی به دلیل دعوت مردم به مذهب اسماعیلی، مورد خشم مردم قرار گرفت و همین باعث رانده شدن وی از خراسان و بعدها از مازندران و نیشابور شد. اما پس از مدتی ناصر خسرو به دعوت امیرعلی بن اسد، از امرای محلی بدخشان که او نیز اسماعیلی بود به بدخشان سفر کرد و تا پایان عمر در آن جا ماند. اهالی بدخشان وی را به نام های حجت، سید شاه ناصر ولی، پیر شاه ناصر، پیر کامل یاد می کنند. سرانجام ناصر خسرو قبادیانی در سال ۴۶۷ هـ خ، در یمگان بدخشان در گذشت. آثار برجای مانده :

دیوان اشعار فارسی، دیوان اشعار عربی، جامع الحکمتین، خوان الاخوان، زاد المسافرین، گشایش و رهایش، وجه دین، سفرنامه، سعادت نامه، روشنایی نامه از جمله آثار ناصر خسرو به شمار می رود. علاوه بر این آثار؛ رساله های زیادی نیز از ناصر خسرو برجای مانده که عبارتند از: اکسیر اعظم در منطق و فلسفه، قانون اعظم، دستور اعظم، کنز الحقایق، رساله الندامه الی زاد القیامه و سرالاسرار.

مسعود سعد سلمان :

مسعود بن سعد بن سلمان، شاعر و قصیده سرای بزرگ ایران در قرن پنجم و ششم هجری است. هر چند خانواده او اهل همدان بودند ولی خود وی در لاهور هندوستان به دنیا آمد. پدر مسعود سعد سلمان - از صاحب منصبان دربار غزنوی بود و زمانی که امیر مجدود بن مسعود غزنوی به امیری هندوستان برگزیده شد، سعد سلمان به همراه خانواده خود به دربار امیر مجد در لاهور پیوست و در آن جا ماندگار شد. مسعود بن سعد در دوران جوانی به دربار راه یافت و از همان ابتدا به خدمت سلطان ابراهیم غزنوی در آمد و بعدها نیز از ملازمان سیف الدوله محمود، پسر سلطان ابراهیم شد. ولی زمانی که سیف الدوله محمود مورد سو ظن پدر قرار گرفت و به زندان افتاد، مسعود سعد هم که از ملازمان وی بود زندانی شد و این اتفاق هفت سال به طول انجامید. بالاخره با شفاعت عمیدالملک ابوالقاسم خاص از رجال دربار سلطان ابراهیم آزاد شد و مدتی از طرف سلطان ابراهیم به حکومت چالندر رسید ولی دوباره مورد خشم سلطان قرار گرفت و باز به مدت هشت سال حبس شد. این بار نیز با وساطت ثقه الملک طاهر بن علی بن مشکان، از بزرگان دربار مسعود آزاد و تا آخر عمر به شغل کتابداری کتابخانه های سلطنتی مشغول شد. مسعود سعد از بزرگترین قصیده سرایان ایران است که بیشتر اشعارش به سبک خراسانی بوده و هنر خاص او در قصاید شکواییه و حبسیه می باشد. در واقع می توان گفت وی نخستین شاعر پارسی گوی در سرزمین هندوستان است.

آثار برجای مانده :

دیوان اشعار: اشعار این دیوان بیشتر حبسیه و به صورت شکوه و گلایه از درد و رنج حبس و زندان بیان شده

است. از خصوصیات قصاید این دیوان باید گفت؛ مسعود سعد در ابتدای آن به ستایش و مدح سلطان پرداخته و سپس شکوه و گلایه پرداخته شده است. علاوه بر قصاید در دیوانش؛ غزل، رباعی، مثنوی، قطعه و چپستان نیز وجود دارد.

اسدی طوسی :

حکیم ابونصر علی بن احمد اسدی از شعرای برجسته سبک خراسانی، در اواخر قرن چهارم هجری، یعنی حدود سال های ۳۷۹ تا ۳۹۰ هجری در شهر توس، یکی از شهرهای خراسان به دنیا آمد. دوران جوانی وی، مصادف با انقراض حکومت غزنویان و روی کار آمدن سلجوقیان بود که این اتفاق باعث شد تا وی زادگاهش را به قصد یافتن محل آرام و بی سرو صدا ترک کرده و به آذربایجان که در آن زمان تحت حکومت امرای محلی بود، رفته و تا پایان عمر خود یعنی تا سال ۴۶۵ هجری در آن جا ساکن شود. مقبره این شاعر پارسی گوی در تبریز است. اسدی طوسی در تاریخ ادبیات ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. قدیمی ترین نوشته فارسی که به دست آمده، به خط وی می باشد. البته علاوه بر این اسدی طوسی از علمای لغت به شمار می آید و نخستین لغت نامه فارسی یعنی «لغت فرس» را تدوین کرده است. آثار برجای مانده :

- گرشاسب نامه: شامل چهار هزار بیت است که به تقلید از شاهنامه فردوسی و به فرمان امیر ابودلف، پادشاه نخبوان و وزیر وی سروده شده است.
- فرهنگ لغات یا لغت فرس: قدیمی ترین فرهنگ لغت زبان فارسی است.
- صاحب مجمع الفصحا
- قصاید مناظره: شامل چهار مناظر با عنوان مناظره آسمان و زمین، مغ مسلمان، نیزه و کمان و شب و روز می شود .

انوری :

اوحدالدین محمد بن محمد انوری معروف به انوری ابیوردی و حجت الحق، از شاعران و دانشمندان قرن ششم هجری در روستای کوچک ناحیه ابیورد در نزدیکی میهنه متولد شد. پدرش از صاحب منصبان دربار سلجوقی و به گفته ای سرپرست میهنه و نیز از ثروتمندان آن عصر بود، آورده شده؛ زمانی که درگذشت میراث فراوانی برای پسرش اوحدالدین محمد گذاشت ولی از آن جا که انوری فردی خوش گذران بود، تمامی ثروت پدر را صرف خوشگذرانی کرد و پس از مدتی فقیر شد و برای گذران زندگی مجبور به شاعری در دربار سلجوقی شد. انوری، در دوران کودکی و نوجوانی به فراگیری علوم زمان خود نظیر: حکمت، ریاضی و نجوم پرداخت و در جوانی نیز مدتی به تحصیل در مدرسه «منصوریه توس» مشغول بود و دانش های عقلی و نقلی از جمله: فلسفه، اخترشناسی، موسیقی، ریاضیات، پزشکی، منطق و ادبیات عرب را در آن جا فرا گرفت. از تاریخ وفات انوری ابیورد هم چون تاریخ ولادتش، اطلاع دقیقی در دسترس نیست ولی به گفته دولت شاه سمرقندی در سال ۵۴۷ هـ ق، بوده و آرامگاه وی در بلخ، کنار مزار سلطان احمد خسرویه، از سلاطین آن زمان،

ذکر شده است.

آثار به جا مانده :

- دیوان اشعار

- بشارت الاشارات: در شرح اشارات ابوعلی سینا در منطق و حکمت .

- عیون الحکمه: کتاب مختصری است در حکمت که شامل علوم منطق، طبیعی و الهی.

- کتاب تهافت

عطار نیشابوری :

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری از شاعران و عارفان بزرگ قرن ششم هجری، در سال ۵۱۳، در روستای کدکن از توابع نیشابور به دنیا آمد. پدرش در شهر شادیاخ، مغازه عطاری داشت و فریدالدین نیز در نزد پدر و حتی پس از فوت پدر، به این کار اشتغال داشت. از دوران کودکی و نحوه تحصیل وی اطلاعی در دست نیست.

فریدن الدین عطار نیشابوری سال ها به کار عطاری مشغول بود تا این که در پی ماجرای به تصوف روی آورد. جامی در این خصوص می نویسد: « روزی در دکان عطاری مشغول معامله بود که درویشی به آنجا رسید و چند بار با گفتن جمله چیزی برای خدا بدهید از عطار کمک خواست ولی او به درویش چیزی نداد . درویش به او گفت: ای خواجه تو چگونه خواهی مرد ؟ عطار گفت: چنان که تو خواهی مرد. درویش گفت: تو هم چون من می توانی بمیری؟ عطار گفت: بله، درویش کاسه چوبین داشت، زیر سر نهاد و گفت: الله و جان بداد، عطار را حال متغییر شد و دکان بر هم زد و به این طریق درآمد». تاثیر این اتفاق به حدی بود که باعث شد عطار، قسمتی از عمر خود را مثل سالکان طریقت در سفر گذرانده و از مکه تا ماورالنهر به سیر و سفر بپردازد. وی در این سفرها با بسیاری از عارفان و بزرگان زمان خود هم چون مجدالدین بغدادی آشنا و هم سخن می شد. از دیگر اقدام های بارزش فریدالدین در این سال های زندگی خود «گردآوری داستان های صوفیه و اهل سلوک» بود.

طبق بررسی های محققان، فریدالدین عطار نیشابوری در سال ۶۲۷ هـ ق، در پی حمله سپاهیان مغول به شهر نیشابور کشته شد. شیخ بهالدین در کتاب کشکول نوشته: « وقتی لشکر تاتار به نیشابور رسید اهالی نیشابور را قتل عام کردند و ضربت شمشیری توسط یکی از مغولان بر دوش شیخ خورد که شیخ با همان ضربت از دنیا رفت. چون خون از زخمش جاری شد شیخ بزرگ دانست که مرگش نزدیک است. با خون خود بر دیوار این رباعی را نوشت:

در کوی تو رسم سرفرازی این است مستان تو را کمینه بازی این است

با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت شاید که تو را بنده نوازی این است

مقبره شیخ عطار در نزدیکی شهر نیشابور قرار دارد. این مقبره در زمان حکومت تیموریان و به فرمان امیر علی شیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا مرمت و تعمیر شد.

آثار برجای مانده :

- دیوان اشعار

- منطق الطیر: کتاب حماسه ای عرفانی است که در آن عطار به بیان مراحل هفت گانه سلوک، یعنی؛ طلب،

- عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا، پرداخته است.
- مصیبت نامه : در بیان مصیبت ها و گرفتاری های ساکنان اهل تصوف است.
- تذکره الاولیا: شامل سرگذشت و حکایات مربوط به نود و هفت نفر از اولیا و مشایخ تصوف می باشد.
- الهی نامه
- مختار نامه

نظامی گنجوی :

جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف نظامی، از شاعران سده ششم است که در سال ۵۳۰ هـ ق در گنجه به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و دایی اش خواجه عمر، نگه داری از وی را به عهده گرفت. نظامی گنجوی، دوران جوانی خود را به آموختن دانش و کسب هنر پرداخت تا جایی که به عنوان بزرگ ترین داستان سرای منظومه های حماسی عاشقانه به زبان فارسی شناخته شد و توانست سبک داستان محاوره ای را وارد ادبیات داستانی منظوم پارسی کند.

نظامی گنجوی، علاوه بر تبحر در علوم عقلی، نقلی، علوم ادبی، طبیعی، الهی و ریاضی در وادی عرفان و سیر و سلوک نیز راهنما و از عرفای بزرگ عصر خود به شمار می آمد.

جمال الدین ابو محمد الیاس، به جز سفر کوتاهی که به دعوت قزل ارسلان در ۵۸۱ هجری، به یکی از نواحی نزدیک گنجه کرد، تا پایان عمر یعنی ۶۰۲ هجری، در زادگاه خود ماند. وی در سن شصت و سه سالگی در گنجه در گذشت و در همان جا هم به خاک سپرده شد.

آثار برحای مانده :

مهمترین اثر نظامی گنجوی؛ پنج گنج یا خمسه « است که تعداد ابیات آن را حدود ۲۰ هزار بیت نوشته اند که عبارتند از:

- مخزن الاسرار: این مثنوی در حدود سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهر شاه بن داود به نظم درآمد و حاوی ۲۰ مقاله در مواعظ و حکم و اندیشه های عارفانه است.
- لیلی و مجنون: شامل ۴۵۰۰ بیت و به نام؛ شروان شاه ابوالمظفر اخستان سروده شده است. داستان عاشقانه مجنون یا قیس عامری از قبیله بنی عامر و لیلی دختر سعد در دوره جاهلیت است.
- خسرو و شیرین: داستان عشق خسرو پرویز پادشاه ساسانی به شیرین شاهدخت ارمنی در ۶۵۰۰ بیت سروده شده است.
- هفت پیکر: یا هفت گنبد و یا بهرام نامه در ۵۱۳۶ بیت به نام؛ علا الدین کرپ ارسلان پادشاه مراغه سروده شده است. این مثنوی، شرح روابط بهرام گور با هفت دختر از پادشاهان هفت اقلیم است.
- اسکندر نامه: شامل ۱۰۵۰۰ بیت و در دو بخش به نام های شرف نامه و اقبال نامه به نظم درآمده است.

سعدی شیرازی :

مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی در اوایل قرن هفتم هجری، در خانواده ای اهل دین دیده به

جهان گشود. دوران تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز گذراند. سپس، برای ادامه تحصیل راهی بغداد شد و در نظامیه نزد استادانی چون؛ شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر سهروردی و شیخ ابوالفرج جوزی دانش آموخت. وی پس از فراگیری علوم در نظامیه، تصمیم به سفر گرفت و در این سفرها، از عربستان، شام، مصر، مراکش و هندوستان دیدن کرد. آورده اند که در سفری که به هندوستان داشت با امیرخسرو دهلوی، شاعر پارسی گوی آن جا دیدار کرد.

سعدی، پس از سی سال جهانگردی بالاخره به زادگاهش برگشت و در دستگاه اتابکان و از نزدیکان سعد بن ابوبکر، نه به عنوان شاعر دربار بلکه به عنوان شخصی محترم، دانشمند و جهان دیده، از مقامی بالا برخوردار شد. وی در این سفرها، علاوه بر کسب تجارب معنوی و دنیوی، به نگارش روایت ها، قصه ها و مشاهدات خود به صورت حکایات در مجموعه گلستان پرداخت.

در خصوص تاریخ وفات این شاعر بزرگ، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد؛ عده ای زمان وفات وی را بین سال های ۶۹۴ تا ۶۹۵ هجری و برخی بین سال های ۶۹۰ الی ۶۹۱ می دانند. وی در خانقاهی که در گذشته محل زندگیش بود به خاک سپرده شد.

آثار برجای مانده :

- بوستان: کتابی است منظوم در اخلاق

- گلستان: نوشته های این کتاب کوتاه و به شیوه داستان ها و نصایح اخلاقی است.

- دیوان اشعار: شامل غزلیات، قصاید، رباعیات، مثنویات، مفردات، ترجیع بند به فارسی و چندین قصیده و غزل به عربی است .

- کتاب نصیحه الملوک

- رساله در عقل و عشق

- الجواب

- کتابی در تربیت یکی از ملوک گفته شده

- مجالس پنجگانه

- هزلیات سعدی

خاقانی شروانی :

افضل الدین بدیل ابراهیم بن علی خاقانی ملقب به حسان العجم، در سال ۵۲۵ هـ ق، در شروان متولد شد. شغل پدر وی درودگری و مادرش از مسیحیانی بود که مسلمان شده بود. خاقانی از دوران کودکی تا سن ۲۵ سالگی، علوم ادبی و حکمی را نزد عمویش کافی الدین عمر بن عثمان، که از اطبا و فلاسفه زمان بود، فرا گرفت و پس از آشنایی با این علوم، به منظور ادامه تحصیل و فراگیری فنون شاعری، نزد ابوالعلا گنجوی که از شاعران بزرگ آن دوره محسوب می شد، رفت. از آن جا که ابوالعلا گنجوی، از شاعران دربار شروان شاه خاقان بود، خاقانی شروانی نیز وارد دربار شد و جزو شاعران دربار خاقان فخرالدین فریدون شروانشاه به شمار آمد. ولی بعد از مدتی این کار را کنار گذاشت و تصمیم به دیدن علما و حکمای خراسان و عراق، گرفت که با مخالفت شروان شاه مواجه شد. همین مخالفت باعث سفر پنهانی وی به عراق گردید، اما نزدیک شهر ری بیمار شد و به ناچار به

زادگاهش بازگشت و به محض بازگشت، به دستور شروان شاه مدتی، زندانی شد. وی پس از آزادی از زندان و با اجازه شروان شاه عازم سفر حج شد و در این سفر ایوان مداین را در نزدیکی بغداد دید و قصیده معروف خود « دیوان مداین » را سرود. خاقانی بعد از بازگشت از حج، به علت نامعلومی میانه اش با شروان شاه تیره شد و همین تیرگی باعث زندانی شدن مجدد وی گردید ولی بعد از مدتی با وساطت « عزالدوله » آزاد و برای بار دوم، عازم سفر حج شد.

افضل الدین بدیل، زمان بازگشت از سفر حج، پسر جوان خود، رشید الدین را ازدست داد و بعد از مدتی همسرش را نیز از دست داد و همین باعث کناره گیری وی از دربار و گوشه گیری وی گردید. خاقانی شروانی، بزرگترین شاعر قصیده سرای ایران، در اواخر عمر خود، در تبریز زندگی می کرد، تا این که سرانجام، در سال ۵۹۵ هـ ق، در همان شهر وفات یافت و در مقبره الشعرا در محله سرخاب تبریز به خاک سپرده شد.

آثار برجای مانده :

- دیوان اشعار: شامل قصاید، مقطعات، ترجیعات، غزل ها و رباعیات است .

- تحفه العراقین: این منظومه در باره اولین مسافرت وی خاقانی به مکه، عراق و در ذکر هر شهر و بزرگان آن شهر سروده شده است.

خواجهی کرمانی :

کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی مشهور به خواجهی کرمانی، از شاعران سده هشتم هجری است که در بیستم ماه ذی الحجه سال ۶۸۹ هـ ق، در کرمان به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند و در دوران جوانی، کرمان را به منظور ادامه تحصیل و فراگیری دانش به قصد شیراز ترک کرد و در شیراز، نزد امین الدین محمد کازرونی به کسب علوم پرداخت.

کمال الدین ابوالعطا، در طول زندگی خود، به منظور کسب علم و دانش، از شهرها و کشورهای زیادی همچون: اصفهان، آذربایجان، شام، ری، عراق و مصر دیدن کرد و هنگام بازگشت از این سفرها، در شیراز اقامت گزید. خواجهی کرمانی، در بیشتر علوم زمان خود تبحر داشت، به ویژه با علوم نجوم به خوبی آشنایی داشت و در بیشتر اشعارش از آن استفاده می کرد، با این وجود این علم را نحس می دانسته و به هم ریختگی کار خود را ثمره آشنایی با آن عنوان می کرد. وی به علت داشتن اشعار زیاد، القاب نخل بند شعرا، خلاق المعانی و ملک الفضلا را به خود اختصاص داده بود .

خواجهی کرمانی، مداح سلطان ابوسعید خان چنگیزی، نیز بوده، اما بعدها و به دنبال دوستی و معاشرت با مشایخ، از کار خود در دربار کناره گیری کرده و به انزوا و گوشه نشینی روی آورد. تا این که سرانجام در نیمه سده هشتم هجری یعنی در سال ۷۵۰ هـ ق، در شیراز درگذشت و در « تنگ الله اکبر »، نزدیک رکن آباد به خاک سپرده شد.

آثار برجای مانده :

- دیوان اشعار: شامل قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیعات و رباعیات است.

- سام نامه: منظومه ای حماسی و عشقی درباره عشق ها، جنگ ها و ماجراهای «سام نریمان» است.

- همای و همایون: این منظومه در مدت اقامت وی در بغداد سروده شد و حاوی ۴۴۰۷ بیت است -
- گل و نوروز: داستان عاشقانه «شاهزاده نوروز» با دختر پادشاه روم به نام گل است، که البته بر وزن خسرو و شیرین نظامی و در حدود ۲۵۰۰ بیت سروده شده است
- روضه الانوار: بر وزن مخزن الاسرار نظامی و در حدود ۲۲۲۴ بیت است -
- کمال نامه: منظومه ای است عرفانی در دوازده باب و بر وزن سیرالعباد سنایی -
- گوهرنامه: این منظومه نیز، با حدود ۱۰۳۲ بیت، بر وزن خسرو و شیرین نظامی سروده شده است -

: شیخ محمود شبستری

سعدالدین محمود بن امین الدین عبدالکریم بن یحیی شبستریاز عرفا و شعرای مشهور قرن هفتم و هشتم هجری در سال ۶۸۷ هجری، در روستای شبستر واقع در تبریز متولد شد وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی خود در تبریز، به منظور فراگیری علوم زمان عازم نقاط مختلف جهان از جمله مصر، شام و حجاز شد و در این سفرها بود که علاوه بر کسب علوم زمان از محضر علما و مشایخ مشهور این مناطق جهت تحصیل دانش توحید بهره ها برد

شیخ محمود شبستری، از هم معاصران شیخ صفی الدین اردبیلی بود. وی زمانی که سران ایلخانان مغول از جمله؛ غازان خان و الجایتو و وزیران آنان همچون خواجه رشیدالدین فضل الله و خواجه غیاث الدین؛ از فرقه صوفیه و تاسیس خانقاه ها حمایت می کردند و عده ی زیادی از صوفیان نیز برای کسب علوم از محضر مشایخ و پیران صوفیه در این خانقاه ها مشغول بودند شیخ محمود شبستری به تصوف روی آورد و با شیخ صفی الدین به شعر و ادب پرداخت

شیخ محمود شبستری، پس از سال ها مسافرت و کسب دانش توحید، به شهر تبریز بازگشت و تا پایان عمر در این شهر به تحقیق و تالیف پرداخت. سرانجام شیخ محمود، در سن ۳۳ سالگی و در سال ۷۲۰ هجری وفات یافت و در شبستر، وسط باغچه گلشن در نزدیکی مزار استادش بهالدین یعقوبی تبریزی به خاک سپرده شد

: آثار برجای مانده

- مثنوی گلشن راز: این مثنوی مهم ترین و مشهورترین اثر شیخ محمود شبستری است که در خصوص اندیشه های عرفانی وی و نیز حاوی حدود هزار بیت در پاسخ به ۱۷ سوال امیر سید حسین حسینی هروی از صوفیان معروف در باب حکمت صوفیانه سروده شده است
- مثنوی سعادت نامه: مثنوی عرفانی بر وزن حدیقه الحقیقه سنایی سروده شده است. دارای سه هزار بیت است -
- که مشتمل بر حکایات و تمثیلات و شرح حال و آثار پنج نفر از عارفان مشهور تبریز در قرن ششم است
- رساله حق الیقین فی معرفت رب العالمین -
- مرآةالمحققین -
- شاهد یا شاهنامه -
- ترجمه مهنج العابدین -

ابن یمین :

امیر فخرالدین محمود بن امیر یمین الدین طغرای مستوفی فریومدی مشهور و متخلص به ابن یمین، از شاعران نامی قرن هشتم هجری بود که در فریومد خراسان متولد شد. پدر وی از صاحب منصبان استیفا و متصدی امور مالیاتی طغراها در دربار خواجه علا الدین محمد فریومدی، وزیر خراسان، به شمار می رفت، که همین عامل باعث شد ابن یمین نیز مانند پدر منصب استیفا و تحریر طغرا را به عمده داشته باشد.

ابن یمین دوران کودکی خود را در خراسان گذراند و در دوران نوجوانی به دربار غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله، وزیر ایلخانان، در تبریز راه یافت. اما بعد از مدتی دوباره به خراسان بازگشت و به دلیل ارتباطی که با گروهی از امیران و وزیران شهر پیدا کرد بیشتر به مدح آنان پرداخت. وی علاوه بر مدح خواجه علا الدین محمد فریومدی، در مدح طغاتی مورخان، ملک معزالدین ابوالحسن محمد بن غیاث الدین کرت، خواجه وجیه الدین مسعود سربداری، خواجه علی سربداری، پهلوان حسن دامغانی سربداری و خواجه نجم الدین علی موید سربداری اشعاری سروده است. بیشتر شهرت ابن یمین در سرودن قطعه های حاوی پند و اندرز، همراه با طنز است. البته وی در سرودن مثنوی نیز توانا بود.

ابن یمین، تا پایان عمر خود در سبزوار و فریومد روزگار گذراند تا این که سرانجام در سال ۷۶۵ هجری قمری در زادگاه خود، فریومد خراسان، درگذشت.

آثار برجای مانده:

دیوان شعر: مجموعه ای حدود ۱۵ هزار بیت است که شامل قصیده، غزل، ترکیب بند، قطعه و رباعی می باشد. مجموعه الغرائب، المرآت المفتوحه از دیگر مجموعه اشعار وی است.

ریحانه الادب، انشا طغرل، انوار المبارک، چشمه فائز، کلیات طغری از جمله کتاب هایی هستند که به ابن یمین نسبت داده اند.

وحشی بافقی:

کمال الدین محمد وحشی بافقی، مشهور به وحشی بافقی، از شعرای نامی دوران صفوی، در سال ۹۳۶ هـ ق، در روستای بافق از توابع یزد دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند. برای ادامه تحصیل ابتدا به یزد و سپس به کاشان رفت. بافقی بعد از مدتی به بندر هرمز و هندوستان مسافرت کرد ولی در اواسط سن خود به یزد بازگشت و تا پایان عمر خود در آن جا ساکن شد.

وحشی بافقی در اشعارش علاوه بر مدح شاه تهماسب صفوی، به مدح یکی از نوادگان دختری شاه نعمت الله ولی، یعنی میر میران، حاکم یزد پرداخت. از شاعران محلی که وی با آن ها آشنایی و معاشرت داشت می توان؛ موحد الدین فهمی و محتشم کاشانی را نام برد. وحشی بافقی زندگی خود را با سختی و تنگدستی گذراند و هیچ وقت به شعر و شاعری، به دیده منبع درآمد و کسب ثروت نگاه نکرد، بلکه به خاطر عشق و علاقه ای که به این هنر داشت، آن را ادامه داد. به طوری که در غزلیات خود از زندگی سخت همراه با درد و رنج و نیز تنهایی و عشق های نافرجامش یاد کرده است.

با تمام این اوصاف، زندگی سراسر سخت همراه با تنهایی وحشی بافقی سرانجام، در سال ۹۹۷ هـ ق، پایان یافت و وی در سن شصت و یک سالگی در یزد درگذشت و در محله «کوی سربرج» به خاک سپرده شد.

آثار برجای مانده

دیوان اشعار: مجموعه ای از نه هزار بیت است که شامل: قصیده، ترکیب بند، ترجیع بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی می باشد

غزل: وحشی بافقی، در غزل هایش به بیان احساسات، عواطف شدید، درد و رنج درونی با زبان ساده و روان پرداخته است

مثنوی: وحشی بافقی، همچنین به سرودن مثنوی های چون: ناظر و منظور، فرهاد و شیرین و خلد برین به پیروی از نظامی پرداخته است